

متن پرسش

سلام علیکم: وقت بخیر. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان در مورد لذت های دنیوی در آخرت نوشته اند: «و کوتاه سخن اینکه زندگی دنیا عبارت است از وجود دنیوی انسان، به ضمیمه آنچه از خوبیها و بدیها که کسب کرده، و آنچه که به نظر خودش خبیث و خسران است. در نتیجه در آخرت یا لذائی که کسب کرده به او می‌دهند، و یا از آن محرومش می‌کنند. و یا به نعمتهای بهشت برخوردارش می‌سازند، و یا به عذاب آتش گرفتارش می‌کنند. و به عبارتی روشن‌تر، آدمی در بقایش به حسب طبیعت، سعادت و شقاوتی دارد، هم بقای شخصیتش و هم بقای نوعش، و این سعادت و شقاوت منوط به فعل طبیعی او، یعنی اکل و شرب و نکاح او است، و همین فعل طبیعی به وسیله لذائی که در آن قرار داده‌اند آرایش و مشاطه‌گری شده، لذائی که جنبه مقدمیت دارد. این به حسب طبیعت آدمی و خارج از اختیار او است. و اما وقتی می‌خواهد با فعل اختیاری خود طلب کمال کند، و شعور و اراده خود را به کار بیندازد، موجودی می‌شود که دیگر کمالش منحصر در لذائذ طبیعی نیست، بلکه همان چیزی است که با شعور و اراده خود انتخاب کرده است. پس آنچه خارج از شعور و مشیت او است (از قبیل خوشگلی و خوش لباسی، و بلندی و خوش صورتی، و خوش خطی، و سفیدی، و لذت بخشی غذا، و خانه، و همسرش و امثال اینها) کمال او شمرده نمی‌شود، هر چند که نوعی کمال طبیعی هست، و همچنین عکس آن نقص خود او شمرده نمی‌شود، هر چند که نقص طبیعی هست، هم چنان که خود را می‌بینیم که از تصور لذائذ لذت می‌بریم، هر چند که در خارج وجود نداشته باشد. مثلاً مریض با اینکه بهبودی ندارد اما از تصور بهبودی لذت می‌برد، پس همین لذائذ مقدمی است که کمال حقیقی انسان می‌شود، هر چند که از نظر طبیعت، کمال مقدمی است حال اگر خدای سبحان این انسان را بقایی جاودانه بدهد، سعادتش همان لذائی است که در دنیا می‌خواست، و شقاوتش همان چیزهایی است که در دنیا نمی‌خواست، حال چه لذت به حسب طبیعت، و خلاصه لذت مقدمی باشد، و چه لذت حقیقی و اصلی باشد، چون این بدیهی است که خیر هر شخص و یا قوه مدرکه و دارای اراده عبارت است از چیزهایی که علم بدان دارد، و آن را می‌خواهد، و شر او عبارت است از چیزی که آن را می‌شناسد ولی نمی‌خواهد. پس به دست آمد که سعادت انسان در آخرت به همین است که به آنچه از لذائذ که در دنیا می‌خواست برسد، چه خوردنیش، و چه نوشیدنش، و چه لذائذ جنسیش، و چه لذائی که در دنیا به تصورش نمی‌رسید، و در عقلش نمی‌گنجید، و در آخرت عقلش به آن دست می‌یابد، و رسیدن به این لذائذ همان بهشت است، و شقاوتش به نرسیدن به آنها است، که همان آتش است، هم چنان که خدای تعالی فرموده: لَهُمْ مَا يَشَاؤْنَ فِيهَا، وَ لَدَيْنَا مَزِيدٌ» (جلد سوم ترجمه

المیزان صفحه ۱۷۲) اگر ممکن است فرموده ایشان را کمی شرح دهید. پیشاپیش متشکرم.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! انسان‌ها همواره به دنبال آن چیزی هستند که در طبیعتِ عادی خود دوست دارند. حال اگر در مسیر طبیعی در دینداری حاضر شوند همان‌هایی که در دنیا می‌خواستند، می‌یابند و بهشت نصیب‌شان می‌شود مگر آنکه به گفته علامه طباطبایی: «و اما وقتی می‌خواهد با فعل اختیاری خود طلب کمال کند، و شعور و اراده خود را به کار بیندازد، موجودی می‌شود که دیگر کمالش منحصر در لذائذ طبیعی نیست» و باید بین این دو انسان و این دو نوع سرنوشت، فرق گذاشت. موفق باشید